

Design of Development Management Model in Iran Using Structural Equation Modeling Method

Kamil davoodi¹, *Aboalhassan Faghihi², Naser Mirsepasi³
& Adel Azar⁴

1-PhD Student in Public Administration - comparative and Development, Department of Public Administration, School of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2-Professor, Department of Public Administration, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. Email: faghihiabolhassan@gmail.com (Corresponding Author)

3-Professor, Department of Public Administration, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

4-Professor, Tarbiat Modares University, School of Industrial Management, Tehran, Iran

Received: 14/04/2018; Accepted: 10/09/2018

Extended Abstract

Abstract

The emergence of emerging powers is one of the important characteristics of the international landscape of modern times. The rise of China, India, Brazil, and South Korea has changed the geopolitical paradigms of world politics and is reflected in the international politics of all actors in the international order. Given the acceptable results of these countries in terms of development, the analysis of the nature of the performance of these countries is an undeniable necessity that can be considered as a solution for developing countries in the field of development management.

Introduction

The point that should not be forgotten is that The world now owes much of its economic growth to emerging economies, they have shown, and when the world's superpowers grapple with economic problems, it is the emerging economies that drive the world economic engine.

Case study

This study aims to provide a suitable model for development management in developing countries by studying how to manage development in emerging

countries. The countries surveyed in this study are South Korea, China and India.

Materials and Methods

By examining the theoretical foundations, reviewing the research background and also historical-comparative study of the performance of selected countries, the conceptual model of development management in 5 groups and 32 sub-indicators including: Economic development (technology localization, Export development, liberalization and competition, economic globalization, lack Use of underground resources, creation of a secure economic environment and business facilitation laws), political development (formation of parties, expansion of political groups, political integration, citizens' trust in sovereignty and legitimacy), socio-cultural development (use of indigenous culture) , Health, employment and social education, corruption, power distance and collectivism), bureaucracy (high quality of administrative laws, meritocracy, decentralization, abolition of monopolies, appropriate size of government, high quality of government decisions in domestic and foreign affairs, accountability of managers And the implementation of e-government and globalization (having constructive relations with the world, membership in international organizations, neutrality in international conflicts, the attitude of political elites to the international system and how to interact with dominant international actors) were designed.

Discussion and Results

The questionnaire was researched according to the obtained conceptual model and was distributed among 56 experts in the field of development to validate the research tool model. This number of experts through the Program and Budget Organization, Administrative and Employment Organization and researchers and authors in the field of development and identification Due to the small number of samples, the validation questionnaire was distributed among all 56 experts and then with the help of structural equation modeling and SMART PLS software, the model was approved and each of the dimensions and sub-indicators of development management was ranked.

Conclusion

Were. The results showed that socio-cultural development (power distance), bureaucracy (quality of laws), politics (formation of parties), economy (localization of imported technologies) and globalization (attitude of political elites to the international system) had the greatest role, respectively. Play in the development of emerging countries.

Keyword: Bureaucracy, economic development, political development, socio-cultural development, globalization

طراحی مدل مدیریت توسعه در ایران با استفاده از روش مدل سازی معادلات ساختاری^۱

کامل داودی* - دکتر ابوالحسن فقیهی** - دکتر ناصر میرسیاسی*** - دکتر عادل آذر****

چکیده

پیدایی قدرت‌های نوظهور، یکی از مختصات و مشخصه‌های مهم چشم‌انداز بین‌المللی روزگار جدید است. با توجه به نتایج قابل قبول این کشورها در ابعاد توسعه، واکاوی ماهیت عملکرد این کشورها ضرورتی انکارناپذیر بوده که می‌تواند به عنوان الگویی در کشورهای در حال توسعه مطرح شود. این پژوهش درصدد است با مطالعه نحوه مدیریت توسعه در کشورهای کره جنوبی، چین و هندوستان مدلی مناسب برای مدیریت توسعه در ایران ارائه دهد. با بررسی تاریخی - تطبیقی عملکرد کشورهای منتخب، مدل مفهومی مدیریت توسعه در ۵ گروه و ۳۲ زیرشاخص شامل: توسعه اقتصادی (بومی سازی تکنولوژی، توسعه صادرات، آزادسازی و رقابت، جهانی شدن اقتصاد، عدم استفاده از منابع زیرزمینی، ایجاد فضای امن اقتصادی و قوانین تسهیلگر کسب و کار)، توسعه سیاسی (شکل‌گیری احزاب، گسترش فعالیت گروه‌های سیاسی، یکپارچگی سیاسی، اعتماد شهروندان به حاکمیت و مشروعیت)، توسعه فرهنگی - اجتماعی (استفاده از فرهنگ بومی، بهداشت، اشتغال و آموزش‌های اجتماعی، فساد اداری، فاصله قدرت و جمع‌گرایی)، بوروکراسی (کیفیت بالای قوانین اداری، شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، لغو انحصارات، اندازه مناسب دولت، کیفیت بالای تصمیمات حاکمیت در مسائل داخلی و خارجی، پاسخگویی مدیران و اجرای دولت الکترونیک) و جهانی شدن (داشتن روابط سازنده با جهان، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، بی‌طرفی در مناقشات بین‌المللی، نگرش نخبگان سیاسی به نظام بین‌الملل و نحوه تعامل با کنشگران غالب بین‌المللی) طراحی شد. سپس برای اعتباربخشی به مدل، پرسشنامه طراحی شده بین تعداد ۵۶ نفر خبرگان حوزه ی توسعه توزیع شد، و سپس به کمک مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم افزار SMART PLS، مدل تایید و ابعاد و زیر شاخص‌های مدیریت توسعه رتبه‌بندی شدند. نتایج پژوهش نشان داد به ترتیب توسعه فرهنگی - اجتماعی (فاصله قدرت)، بوروکراسی (کیفیت قوانین)، سیاست (شکل - گیری احزاب)، اقتصاد (بومی سازی تکنولوژی‌های وارداتی) و جهانی شدن (نگرش نخبگان سیاسی به نظام بین - الملل) بیشترین نقش را در توسعه یافتگی کشورهای نوظهور ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: بوروکراسی، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی - اجتماعی، جهانی شدن

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری می‌باشد.

* دانشجوی دکتری رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

** نویسنده مسئول - استاد گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

faghihiabolhassan@gmail.com

*** استاد گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

**** استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مقدمه

در میان مباحث متعدد چند قرن اخیر، مفهوم توسعه یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم و یکی از مهمترین و بحث برانگیزترین مسائل و چالش‌ها میان کشورهای جهان و به خصوص کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) می‌باشد. وقوع جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در موضوع توسعه است، بطوری که در دوره پس از جنگ جهانی دوم گسترش نهضت‌های انقلابی و استقلال طلبانه در کشورهای تحت سلطه، تقسیم جهان به دو منطقه تحت نفوذ ابرقدرت‌های شرق و غرب و اوج گرفتن جنگ سرد در عرصه جهانی، فقر و توسعه نیافتگی به تدریج به صورت مسئله مهمی درآمد که ابعاد گوناگون (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ...) آن مطرح شدند. در این میان پیدایی قدرت‌های نوظهور، یکی از مختصات و مشخصه‌های مهم چشم‌انداز بین‌المللی روزگار جدید است. بازخیزی چین، هند، برزیل و کره جنوبی در صحنه بین‌المللی، الگوی ژئوپولیتیکی سیاست جهانی را متغیر ساخته و در سیاستگذاری بین‌المللی همه بازیگران نظم بین‌الملل، بازتاب یافته است. با توجه به نتایج قابل قبول این کشورها در ابعاد توسعه، واکاوی ماهیت عملکرد این کشورها ضرورتی انکار ناپذیر بوده که می‌تواند به عنوان راهکاری برای کشورهای در حال توسعه مطرح شود. مقاله حاضر با بازخوانی عملکرد تاریخی سه کشور کره جنوبی، چین و هند در پی طراحی مدل مطلوب مدیریت توسعه برای ایران است.

بیان مساله

جهان در حال حاضر ۷۰ درصد از رشد اقتصادی خود را مدیون اقتصادهای نوظهور است، آنها نشان داده‌اند، وقتی قدرت‌های برتر جهانی با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند، این اقتصادهای نوظهور هستند که موتور اقتصادی جهان را به گردش درمی‌آورند. به زبان ساده‌تر این طور می‌توان تعبیر کرد که تفاوت در عملکرد اقتصادی همواره موجب تغییر جایگاه کشورها در اقتصاد جهانی و ظهور یا افول قدرت‌های اقتصادی در عرصه رقابت بین‌المللی است. چنانچه در ابتدای قرن بیستم میلادی اقتصاد کشورهای آمریکا، ژاپن و آلمان، گوی سبقت را از بریتانیا و فرانسه ربودند، قرن بیست و یکم نیز شاهد رویارویی اقتصادهای نوظهور در برابر قدرت‌های بزرگ اقتصادی است. از اقتصادهای نوظهور به‌طور مشخص می‌توان به چین، هند، برزیل و روسیه اشاره کرد که به رقبای اصلی کشورهای

غربی و ژاپن بدل شده‌اند، کشور چین که در دهه ۱۹۷۰ میلادی از نظر تولید ناخالص داخلی در جایگاه هشتم جهان قرار داشت، اکنون، با پیشی گرفتن از سایر کشورها به رقیب اصلی اقتصاد آمریکا تبدیل شده است. طی پیش بینی‌ها بیشترین نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۵۰ متعلق به هند خواهد بود. هند که در رتبه ۱۰ اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۴ قرار دارد و در سال ۲۰۳۰ به سومین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد که جهشی چشمگیر به شمار می‌رود (Islamic Consultative Assembly Research Center, 2016) حال مسأله اینست، کشورهای نوظهور چگونه عمل کردند که در طی یک دوره زمانی کوتاه مدت توانستند به لحاظ ابعاد توسعه در جایگاه قابل قبولی قرار گیرند و ایران چه کرده است بعد از ۷ دهه برنامه‌ریزی توسعه هنوز در زمره کشورهای در حال توسعه قرار دارد؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

تاریخچه توسعه در ایران نشان می‌دهد، آرزوی رسیدن به توسعه از زمان ورود برادران شرلی در عهد صفوی و بعدها با سؤال معروف عباس میرزا پس از شکست در جنگ‌های ایران و روس که به همراه روشنفکران هم‌عصر خود درصدد واکاوی علل این برتری و سیر عقب ماندگی ایران عصر قاجار برآمدند وجود داشته و هنوز هم پس از گذشت ۲۰۳ سال از سؤال عباس میرزا روشنفکران و عالمان جامعه با نوشتن کتاب‌هایی از قبیل «چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت» و «ما چگونه ما شدیم» و «عقلانیت و توسعه یافتگی ایران» و... و نوشتن هزاران مقاله و برگزاری انواع سمینارهای توسعه در پی علل عقب‌ماندگی و عدم توسعه اقتصادی و سیاسی کشور و تکرار همان سؤال عباس میرزا هستند (Abrahamian, 1999: 119-126). با نگاهی گذرا به توسعه در ایران می‌توان متوجه شد که علی‌رغم ۷ دهه برنامه‌ریزی توسعه در ایران و صرف میلیاردها دلار در دوران پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی، هنوز حال و هوای توسعه رو به راه نیست، در این بین شاید بررسی کشورهای نوظهور موفق در بحث توسعه بتواند به نوعی آسیب‌شناسی چرایی عدم نیل به توسعه در ایران بینجامد.

اهداف پژوهش

- شناخت دلایل پیشرفت و توسعه کشورهای منتخب در ابعاد توسعه

- طراحی الگوی مطلوب مدیریت توسعه برای ایران با توجه به مطالعه عملکرد کشورهای نوظهور

مروری بر پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

واژه توسعه به معنی خروج از لفاف است. نخستین نظریه‌پردازان توسعه پس از جنگ جهانی دوم، که بعدها نظریه‌شان با نام نظریه نوسازی مشهور شد، بر آن بودند که این «لفاف» همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های این جامعه است (Todaro, 1985: 134). کتاب مشهور این دوره از نظریات توسعه، یعنی کتاب «گذر از جامعه سنتی» اثر دانیل لرنر مبین همین گرایش بود. از اینرو در مباحث اولیه، توسعه مترادف نوسازی و «غربی شدن» تلقی شد. غربی شدن عبارت بود از اقتباس کامل یا جزئی از مدل توسعه کشورهای غربی (Lerner, 1958: 401). سیرز^۱ (۷-۲: ۱۹۷۲)، توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی را به همراه دارد. گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، هدف اصلی توسعه همه جانبه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عبارت است از ارتقای سطح زندگی و کیفیت زندگی مرد.

الحق^۲ (۱۹۸۹:۲۹) وظیفه اولیه هر برنامه توسعه بایستی بی‌درنگ برآوردن احتیاجات اولیه و اساسی باشد تا مردم به کالاهای تداوم بخش زندگی دسترسی بیشتری پیدا کند. میردال^۳ (۷۲۶-۷۳۶: ۱۹۷۴)، توسعه را حرکت به سمت بالای نظام (سیستم) اجتماعی دانسته و تصریح می‌کند که این تعریف تنها تعریف قابل پذیرش به لحاظ منطقی می‌باشد. عظیمی (۱۹۹۹:۳)، توسعه را مرگ نظام کهن و تولد یک نظام جدید می‌داند. وی توسعه را فرآیند انتقالی جامعه از یک دوران تاریخی به دوران دیگر می‌داند. این امر، هدف اولیه برنامه ریزان اقتصادی طی دهه‌های پیش بود که به دلیل لاینحل ماندن مشکل فقر اجتماعی، مسئله‌ی توزیع درآمد و عدالت نیز مورد توجه قرار گرفت (توسعه اقتصادی)، گسترش خدمات اجتماعی همچون دسترسی عمومی به آموزش، بهداشت، ارتباطات و اطلاعات (توسعه فرهنگی- اجتماعی) و گسترش دموکراسی و مشارکت همچون دسترسی عمومی تحکیم بخش و تضمین کننده‌ی توسعه‌ی اقتصادی (توسعه سیاسی). در این بخش

1-Seers

2-Alhagh

3-Myrdal

از پژوهش موضوع مدیریت توسعه در پنج بُعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی- اجتماعی، بوروکراسی و جهانی شدن در سه کشور نوظهور کره جنوبی، چین و هند بعد از جنگ جهانی دوم مورد مطالعه قرار گرفته است. در ادامه اقدامات سه کشور کره جنوبی، چین و هند در ابعاد توسعه مورد بررسی قرار می گیرد.

کره جنوبی

با پایان یافتن جنگ جهانی تاریخ کره وارد مرحله‌ی نوینی شد. این کشور از اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ با اجرای برنامه‌های متعدد توسعه، توانست به رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای دست یابد و طی چندین دهه، از وضعیت کشوری با اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به کشوری با اقتصاد صنعتی، گذار نماید. کره جنوبی امروزه در کنار ژاپن و چین، سومین اقتصاد مهم آسیا به شمار می‌آید (Bagheri, 1997). این کشور از سال‌های ۱۹۴۸ - ۱۹۶۰ با ریاست جمهوری سیگمان ری^۱، تحت اقتدارگرایی شدید دولتی اداره می‌شد، مایحتاج کشور از طریق کمک‌های خارجی و به خصوص آمریکا تأمین می‌شد، در این دوره خرابی‌های ناشی از جنگ با کره شمالی به کمک آمریکا بازسازی شد، به لحاظ اداری نهادسازی و نهادمندی سازی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام شد. در اواخر این دوره سیاست جایگزینی واردات اجرایی شد و در نهایت و از طریق فرهنگ کنفوسیوس آموزش، نظم، انضباط اجتماعی، وجدان کاری در بین مردم نهادینه سازی شد (Andrew, 1994: 453). از سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۲ سیاست جایگزینی واردات ادامه یافت و برای اجرای سیاست‌های توسعه صادرات در آینده، نظام اداری قوی، کارآمد و فن سالار با تصویب قانون خدمات ملی پایه‌ریزی شد تا دولت از طریق این نظام اداری بتواند سیاست‌های کارشناسانه را طراحی و اجرا کند، پس از تصویب این قانون دولت کره جنوبی اقدام به تربیت نخبگان تحول‌گرا نمود و یک سازمان برنامه‌ریز دولتی توسط ژنرال پارک ایجاد و برنامه‌های توسعه ۵ ساله تدوین و اجرا شد (Bason, 2003: 162). در ادامه همین دوره سیاست جایگزینی واردات مورد بازنگری قرار گرفت و سیاست توسعه صادرات در پیش گرفته شد. در این دوره رویکرد توسعه برون‌گرا اجرا شد. در اواخر این دوره مبانی مستحکمی در راستای توسعه اقتصادی کره جنوبی و تبدیل شدن آن به یک کشور صنعتی ایجاد شد، نقش دولت در این

فرآیند مهم همکارانه و انعطاف‌پذیر بود (Talaee, 2000: 5). در سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۹، سیاست‌های اقتصادی ژنرال پارک ادامه یافت (دوره تحکیم صنعتی) و به دلیل خروج نیروهای آمریکایی از کره جنوبی و احتمال بروز خطر حمله کره شمالی کشور به سمت سرمایه‌گذاری سنگین در صنایع دفاعی (صنایع سنگین و شیمیایی) رفت. در این دوره در شش صنعت شامل فولاد، فلزات غیرآهنی، ماشین‌آلات، خودرو، کشتی‌سازی، الکترونیک و شیمیایی سرمایه‌گذاری گسترده صورت گرفت که در نتیجه به ایجاد صنایع چپنول (مجتمع‌های تجاری و صنعتی بزرگ) انجامید (Talaee, 2000: 13). در سال‌های ۱۸۸۰-۱۹۹۰ قابلیت‌های ائتلافی دولت توسعه‌گرا در راستای نیل به توسعه همه جانبه افزایش یافت، آزادسازی اقتصاد اجرایی شد، از ظرفیت بازارهای غربی استفاده شد و به عبارتی نگاه توسعه در کره جنوبی در این دوره از درون کره تغییر و توسعه همه جانبه در بیرون از مرزهای کره جستجو شد (Talaee, 2000: 18). در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۰ در این دوره مبارزه نظامند با فساد اداری به عنوان بزرگترین مانع توسعه در کره اجرا شد، توسعه سیاسی نهادینه شد و برای اولین بار انتخابات آزاد در کره برگزار شد، فضای سیاسی کشور برای شکل‌گیری احزاب قوی آماده بود و ارتباطات بین‌المللی کره جنوبی به صورت چشمگیری افزایش یافت (Talaee, 2000: 23).

چین

قبل جنگ جهانی دوم، جامعه و حکومت چین دستخوش ناآرامی‌ها و اغتشاشات گوناگونی بود و نهایتاً وقوع انقلاب کمونیستی در سال ۱۹۴۹ به این اغتشاشات پایان داد. انقلاب کمونیستی را مائو تسه دونگ^۱ رهبری نمود. تمامی تلاش او یارانش، انتقال جامعه سنتی و عقب مانده چین به جامعه‌ای مبتنی بر توسعه صنعتی بود (C.Chw, 2002: 15). با مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ از یک سو و قدرت گرفتن دنگ شیائوپینگ^۲ در سال ۱۹۷۸ از سوی دیگر، چین معاصر وارد مرحله نوینی از حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود شد. از سال ۱۹۷۸ به بعد دستاوردهای اقتصادی-اجتماعی چین بسیار قابل ملاحظه بوده‌اند (Clarebergez, 1989: 298). در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ روند رشد اقتصادی چین به

1-Mao Zedog

2-Deng Xiaoping

گونه‌ای حیرت‌انگیز افزایش یافت و شاخص‌های اقتصادی در زمینه‌های گوناگون، رشد فوق‌العاده‌ای را نشان داد و این خود موجب شد که در محافل خبری دنیا از این کشور به عنوان «ابر قدرت آینده» نام برده شود (2: Shirzadi, 2014). در سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۷۶ بعد از تأسیس جمهوری خلق چین، ایدئولوژی بر تخصص اولویت داشت و نخبگان ایدئولوژیک به جای نخبگان تکنوکرات پست‌های مهم دولتی را در اختیار داشتند، به لحاظ اقتصادی چین دارای یک اقتصاد دولتی، بسته، برنامه‌ریزی شده و متمرکز بود، سیاست‌های اندیشه‌های سوسیالیستی مردم را فقیرتر و اقتصاد چین را در آستانه ورشکستگی قرار داده بود، مائو در سال ۱۹۶۶ افرادی را که با سیاست‌های وی مخالف بودند را تحت عنوان انقلاب فرهنگی و داشتن اندیشه ناسالم به روستاها و معادن جهت انجام کار اجباری تبعید کرد (Madsen, 2003: 29). در طول ۲۷ سال حکومت مائو بر چین، رشد و توسعه کاملاً تحت تاثیر نوسانات ایدئولوژیک و سیاسی قرار داشت، وعده‌های حزب کمونیست در مرحله شعار باقی ماند و به عمل‌گرایی منجر نشد و به لحاظ ارتباط با جهان به دلیل سیاست‌های بسته و متمرکز فقط با کشور شوروی و آن‌هم به دلیل داشتن ایدئولوژی مشترک در ارتباط بود (Darbisheer, 1989: 153). از سال ۱۹۷۶-۱۹۸۴ بعد از مرگ مائو، دنگ شیائوپینگ روی کار آمد و در اولین اقدام خود انقلاب فرهنگی مائو را کنار گذاشت و در اواخر دهه ۱۹۷۰ شروع به اصلاحات ساختاری در نظام اداری (بوروکراسی) و اقتصاد چین کرد، وی شعار سرخ بودن مهمتر از متخصص بودن نفی کرد. وی در سال ۱۹۷۸ سیاست درهای باز را به اجرا گذاشت. در گام بعدی وی از قربانیان انقلاب فرهنگی دلجویی کرد (Omidvarnia, 1991: 56). نقش ایدئولوژی به شدت کاهش یافت و جای خود را به ملی‌گرایی داد. مائو زدایی از حزب صورت گرفت و بعد از انجام این اقدامات چین به دلیل نیاز به تکنولوژی غرب برای اکتشاف و توسعه منابع معدنی مجبور به اتخاذ سیاست‌های برون‌گرتری جهت نیل به توسعه شد (Zhao, 2003: 352). در سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۸۲، اصلاحات ساختارهای بخش‌های صنعتی شهری انجام شد و این موضوع منجر به کاهش بوروکراسی اداری شد و بخش عظیمی از مسائل اقتصادی و اداری را در اختیار حکومت‌های محلی، ایالتی و شهرداری‌ها قرار داد و همچنین نظامیان و ارتشی‌ها از نظام اداری کنار گذاشته شدند

(Zhao, 1998: 229). در سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۹۰، مبارزه گسترده با فساد اداری در چین و محاکمه افراد فاسد در دستور کار قرار گرفت، در این دوره به لحاظ اقتصادی سیاست رونق بخشیدن به تقاضا و تولید و تثبیت قیمت‌ها در دستور کار قرار گرفت و اجرایی شد و در نهایت در بین سال‌های ۱۹۹۰ - ۲۰۰۰، مبارزه با فساد باعث شد تعداد زیادی از مقامات بلند پایه در چین به دلیل فساد مالی اعدام شوند. در ادامه سیاست خارجی چین بر اساس دوری از تنش با بازیگران اصلی در صحنه بین‌المللی و ایجاد مواضع ملایم در بحران‌های بین‌المللی پیگیری شد.

هند

چند قرن قبل از ورود کمپانی هند شرقی به هند، پیوند نظام کاست^۱، دین و تبار مبنای سلسله مراتب اجتماعی در هند را تشکیل می‌داد، این نظام در دوران حضور نزدیک به سه قرن استعمار نیز ادامه داشت. استعمار ساختارهایی همچون نظام بوروکراتیک قوی، ارتش، آموزش زبان انگلیسی را به آن افزود که در نهایت بعد از استقلال هند ساختارهای ایجاد شده توسط استعمار به نفع هند تمام شد. در ابتدای دوران استقلال هند دارای نظام پارلمانی و قضایی بود و به لحاظ اقتصادی دارای مشکلات نظیر اقتصاد ناهمگون، نامتوازن و صرفاً کشاورزی بود که حتی برای تامین ماشین آلات سرمایه‌ای خود نیز محتاج واردات بود (Moore, 1996: 290). در دوره بعد از استقلال هند در سالهای ۱۹۴۷-۱۹۶۶، جواهر لعل نهرو تا پایان عمر خود در سال ۱۹۶۴ به مدت ۱۷ سال نخست وزیر هند بود، در این دوره نظام نوین بوروکراسی هند شکل گرفت. بر اساس این نظام قانون خدمات ملی در هند تصویب شد که در این قانون همه انحصارات دولتی و غیر دولتی در نظام حکومتی هند لغو و با هرگونه تبعیض در نظام اداری و ارائه خدمت به شهروندان به شدت مبارزه شد، در این دوره برای استخدام در پلیس، دولت و مراکز خارجی هند شرایط بسیار سخت گیرانه‌ای اتخاذ شد، تا افراد شایسته و کاردان بتوانند وارد این دستگاه‌ها شوند، در سال ۱۹۵۲ جامعه هندوها از مسلمانان جدا شد و منجر به تشکیل کشور پاکستان شد، شاهکار بزرگ این دوره نوشتن قانون اساسی هند بود که با در نظر گرفتن همه تنوع‌های ملیتی، مذهبی و فرهنگی

۱- واژه کاست برگرفته از واژه ی پرتغالی و به معنی نسل و نژاد است. مفهوم کاست یا نظام طبقاتی در جامعه و کشور هند، سلسله مراتب اجتماعی هندوهاست.

تدوین و تصویب شد. در سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۸۰، با عنوان ایجاد رویکردهای سازگار بین سیاست و اقتصاد شناخته می‌شود که نتیجه آن ایجاد یک نظام دقیق برنامه‌ریزی برای توسعه هند بود، در این راستا رویکردهای سازگار بین سیاست و اقتصاد جهت از بین بردن فقر و قرار دادن کشور در مسیر توسعه صنعتی گام برداشته شد، در این دوره امید به حذف نظام کاستی وجود داشت و به لحاظ اقتصادی دولت مطالبات دهقانان را پذیرفت و انقلاب سبز (خودکفایی در تولید غلات) در اقتصاد هند اتفاق افتاد (Nayar, 1998: 334). در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰، حوزه اقتصاد، رشد سریع، تورم متعادل و ترویج برنامه‌های ضد فقر اتفاق افتاد. در حوزه سیاست، اضطرار وجود دموکراسی برای انتخابات رخ داد. در این سال‌ها تضاد میان ثروتمند و فقیر به تضاد میان مرکز و ایالت‌ها مبدل شد و اختلاف عقیده در دموکراسی به صورت جنبش‌های منطقه‌ای درآمد (Nayar, 1998: 335). در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۷، آزادسازی اقتصاد شروع و از قدرت دولت در اقتصاد کاسته شد، این دوره با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همراه بود، که این تحولات نقطه عطفی در تغییر سیاست خارجی هند به شمار می‌رود، هند سیاست عدم تعهد را کنار گذاشت، با قدرتهای جهان ارتباط برقرار نمود و رابطه با کشورهایی همچون رژیم اشغالگر قدس عادی شد (Ganguly, 2003: 41-47). در دوره ۱۹۹۸-۲۰۰۵، سیاست آزادسازی ادامه یافت و یکی از نتایج آن بازکردن دروازه‌ها بر روی سرمایه‌های خارجی و تشکیل طبقه متوسط بزرگ بود.

سوالات پژوهش

- ۱- کشورهای منتخب در ابعاد توسعه چگونه عمل کردند که توانستند به توسعه برسند؟
- ۲- الگوی مطلوب برای مدیریت توسعه در ایران چیست و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

روش روش پژوهش

این مطالعه با ترکیبی از روش کیفی و کمی (آمیخته) انجام شده است. در بخش کیفی از رویکرد تاریخی- تطبیقی که منجر به طراحی مدل مفهومی مدیریت توسعه شد، استفاده به عمل آمد و نوع پژوهش در بخش کیفی بنیادی بود. در خصوص روایی مطالعه حاضر باید گفت، به لحاظ روایی درونی از تکنیک‌های تئلیث (مثلث‌سازی)، نظیر استفاده از منابع تأییدگر، محققان و روش‌هایی متعدد در طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده استفاده شده

است و در خصوص حوزه انتقال‌پذیری (روایی بیرونی) باید خاطر نشان نمود نتایج این تحقیق را نمی‌توان به کشور یا کشورهای دیگری تعمیم داد. در این پژوهش برای پایایی بخش کیفی تحقیق از سازماندهی فرآیندهای ساخت‌یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیر داده‌ها استفاده شده است. در بخش کمی برای اعتباربخشی به مدل مفهومی اولیه از روش تست خبرگان و روش معادلات ساختاری با نرم افزار PLS استفاده شد. نوع پژوهش در بخش کمی کاربردی است. روایی پژوهش از روش روایی صوری حاصل شده است و برای اثبات پایایی پژوهش از تکنیک آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی استفاده از داده‌های آرشیوی عملکرد سه کشور کره جنوبی، چین و هند در محدوده سال‌های ۱۹۴۵-۲۰۱۶ در ابعاد پنجگانه مدیریت توسعه می‌باشد و در بخش کمی برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته با توجه به مدل مفهومی طراحی شده در مطالعه سه کشور نوظهور استفاده شد. پرسشنامه طراحی شده متشکل از پنج بعد مدیریت توسعه در ۳۲ زیرشاخص می‌باشد، که تعداد ۸ شاخص آن مربوط به بوروکراسی، ۷ شاخص آن مربوط به اقتصاد، ۵ شاخص آن مربوط به توسعه سیاسی، ۷ شاخص آن مربوط به توسعه اجتماعی- فرهنگی و ۵ شاخص آن مرتبط با جهانی شدن و روابط خارجی می‌باشد. سوالات از نوع بسته بوده و از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای استفاده شده است. روش توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به صورت الکترونیکی و بعضاً مراجعه حضوری بوده است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی به ترتیب رویکرد ایدئوگرافیک (موردنگارانه)، مفهوم‌سازی موضوع پژوهش، یافتن شواهد، ارزیابی کیفیت شواهد، سازماندهی شواهد، ترکیب کردن داده‌ها، نوشتن گزارش و در نهایت تدوین جداول تطبیقی و مدل مفهومی می‌باشد، اما در بخش کیفی برای تحلیل نتایج از نرم افزار SMART PLS و روش معادلات ساختاری استفاده شده است.

جامعه آماری

جامعه مورد مطالعه این پژوهش در بخش کیفی سه کشور کره جنوبی، چین و هند در محدوده سال‌های ۱۹۴۵-۲۰۱۶ است. دلیل انتخاب این سه کشور در شناخت سه الگوی دولت توسعه‌گرا در کره جنوبی، کمونیستی در چین و دموکراسی در هند در خصوص مدیریت توسعه بوده است و در بخش کمی برای تست مدل طراحی شده در بخش کیفی از تکنیک تست خبرگان برای اعتبار بخشی به مدل مدیریت توسعه استفاده شد. در این بخش (جامعه آماری بخش کمی) سعی شده از مسئولین و معاونین نهادهای و سازمان‌های درگیر در موضوع توسعه استفاده شود برای اینکار از افراد شاغل و بازنشسته خبره توسعه در حوزه‌های زیر استفاده شد.

جدول ۱: جامعه آماری خبرگان به تفکیک سازمان

تعداد منتخبین	شرح
۱۲	خبرگان اداری و استخدامی
۸	خبرگان بودجه ریزی
۱۹	پژوهشگران و مولفین حوزه توسعه
۱۷	صاحب نظر در زمینه برنامه های توسعه
۵۶	جمع

از تعداد ۵۶ پرسشنامه توزیع شده بین خبرگان، ۴۸ پرسشنامه عودت داده شد. تحلیل آماری و اعتبار بخشی الگوی مطلوب مدیریت توسعه روی ۴۸ پرسشنامه انجام شد.

یافته‌های پژوهش

الف - یافته‌های بخش کیفی: نتیجه بخش کیفی پژوهش مدل مفهومی به شرح زیر است: که شامل فعالیت هر کدام از کشورهای منتخب در ابعاد پنج گانه توسعه است.

جدول ۲: یافته‌های بخش کیفی (مدل مفهومی)

زیر شاخص	ابعاد	ردیف
شایسته سالاری	۱	۱
لغو انحصارات	۲	
اجرایی شدن دولت الکترونیک	۳	
اندازه دولت	۴	
پاسخگویی مدیران دولتی	۵	
کیفیت قانون (میزان گستردگی کم و تغییرات ناگهانی به ندرت در قوانین و مقررات)	۶	
تمرکززدایی	۷	
کیفیت تصمیم‌های دولت مردان (تعداد مراکز تصمیم‌گیری کم و نحوه اتخاذ تصمیم مشارکتی)	۸	
فضای امن کسب و کار	۹	۲
آزاد سازی اقتصاد و رقابت	۱۰	
قانون تسهیل‌گر در بحث کسب و کار	۱۱	
جهانی شدن اقتصاد	۱۲	
بومی سازی تکنولوژی وارداتی	۱۳	
عدم استفاده از منابع زیر زمینی در بودجه جاری کشور	۱۴	
توسعه صادرات	۱۵	
شکل‌گیری احزاب	۱۶	۳
اعتماد شهروندان به دولت	۱۷	
گسترش فعالیت گروه‌های سیاسی	۱۸	
یکپارچه بودن سیاست‌ها (میزان همراستایی سیاست‌های حاکمان با خواسته شهروندان)	۱۹	
مشروعیت	۲۰	۴
آموزش و فرهنگ سازی	۲۱	
فاصله قدرت کم	۲۲	
استفاده فرهنگ بومی	۲۳	
جمع‌گرایی به جای فردگرایی	۲۴	
بهداشت	۲۵	
اشتغال	۲۶	
فساد اداری	۲۷	۵
داشتن روابط بین‌المللی سازنده جهان	۲۸	
نگرش نخبگان سیاسی در مورد نظام بین‌المللی	۲۹	
عضویت در سازمان‌های بین‌المللی	۳۰	
نحوه تعامل با کنشگران غالب بین‌المللی	۳۱	
بی‌طرفی در مناقشات بین‌المللی	۳۲	

الف - یافته‌های بخش کمی

برازش کلی مدل‌ها

مدل PLS بر خلاف مدل‌های مبتنی بر کوواریانس فاقد شاخص‌های برازش متعدد می‌باشد. شاخص GOF¹ در PLS می‌تواند همانند شاخص‌های برازش کلی مدل عمل کند و از آن برای بررسی اعتبار یا کیفیت مدل PLS به طور کلی استفاده کرد. این شاخص بین یک تا صفر قرار دارد، که مقدارهای نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل است. GOF برابر است با میانگین هندسی متوسط شاخص افزونگی و متوسط ضریب تعیین (R²) که با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌گردد (Davari and Rezazadeh, 2014).

$$\text{GOF} = \sqrt{(\text{communality} \cdot R^2)} \quad \text{رابطه (۱)}$$

سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده‌اند (Davari and Rezazadeh, 2014). مقدار GOF محاسبه شده برای مدل پژوهش حاضر برابر ۰/۱۹۸ است که نشان‌دهنده برازش متوسط مدل می‌باشد (Davari and Rezazadeh, 2014).

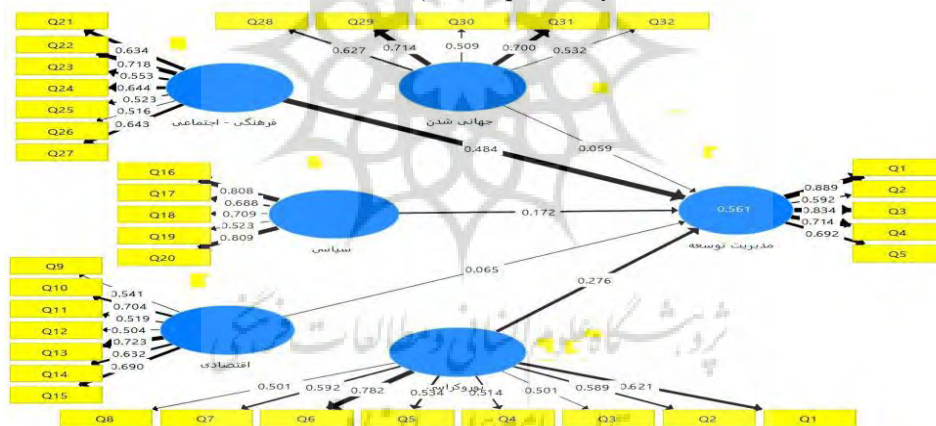
جدول ۳: جدول معیارهای درونی و بیرونی مدل تحقیق

GOF	AVE	R ²	CR	Communality	Cronbach Alpha	Redundancy	متغیرها
۰/۱۹۸	۰/۷۷۷	۰۰۰۰	۰/۸۷۴	۰۰۰۰	۰/۷۱۳	۰/۳۱۴	اقتصادی
	۰/۵۴۳	۰۰۰۰	۰/۸۲۲	۰۰۰۰	۰/۷۲۵	۰/۴۲۱	بوروکراسی
	۰/۵۴۷	۰۰۰۰	۰/۸۵۲	۰۰۰۰	۰/۸۱۹	۰/۲۳۴	جهانی شدن
	۰/۵۶۲	۰۰۰۰	۰/۷۹۴	۰۰۰۰	۰/۷۴۱	۰/۲۲۱	سیاسی
	۰/۷۷۵	۰۰۰۰	۰/۹۱۲	۰۰۰۰	۰/۸۵۳	۰/۴۸۷	فرهنگی-اجتماعی
	۰/۵۲۱	۰/۲۸۱	۰/۸۰۱	۰/۱۴۰	۰/۷۰۵	۰/۲۲۱	مدیریت توسعه

جدول ۴: ماتریس فروئل و لارکر تحقیق

مدیریت توسعه	فرهنگی- اجتماعی	سیاسی	جهانی شدن	بوروکراسی	اقتصادی	
					۰/۸۸۱	اقتصادی
				۰/۷۳۶	۰/۴۴۴	بوروکراسی
			۰/۷۳۸	۰/۶۷۹	۰/۶۹۳	جهانی شدن
		۰/۷۴۹	۰/۵۰۲	۰/۷۰۸	۰/۶۸۰	سیاسی
	۰/۸۸۰	۰/۶۸۶	۰/۴۴۳	۰/۵۴۱	۰/۴۸۶	فرهنگی- اجتماعی
۰/۷۲۱	۰/۴۲۹	۰/۴۲۷	۰/۴۵۶	۰/۷۱۲	۰/۵۴۰	مدیریت توسعه

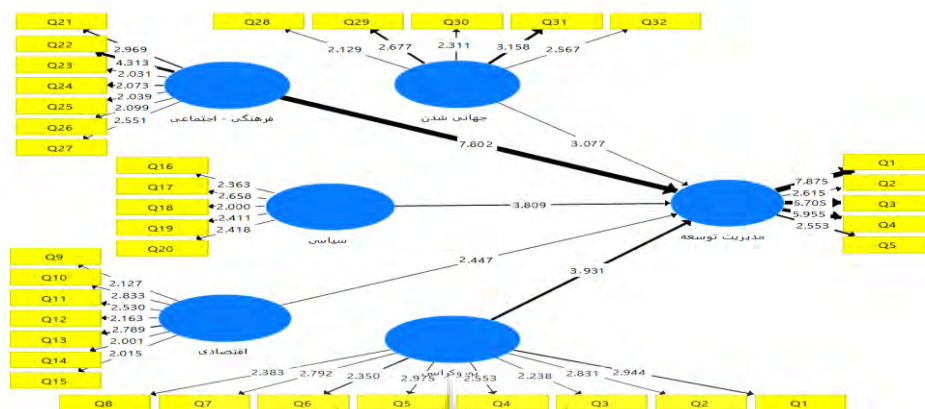
یکی از روش‌های تعیین روایی واگرایی سازه‌ها استفاده از روش ماتریس فروئل و لارکر است که در این روش روایی واگرایی زمانی در سطح قابل قبول است که میزان میزبان واریانس استخراج شده برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد (Fornell and Larcker, 1981, quoted by Davari and Rezazadeh, 2014).



شکل ۱: ضرایب مسیر و بارهای عاملی مدل تحقیق

در شکل ۱ ذیل ضرایب مسیر و بارهای عاملی مدل تحقیق مشخص شده است. این نمودارها از خروجی آزمون *PLS Algorithm* می‌باشد. اندازه ضریب مسیر نشان‌دهنده قدرت و قوت رابطه بین دو متغیر نهفته است و در صورت منفی بودن نشان از رابطه و اثر منفی است. برخی محققین بر این باور هستند که ضریب مسیر بزرگتر از ۰/۱ ضریب مسیری تأثیرگذار در مدل است (Hanafizadeh and Zare, 2012).

مقادیر T-values مدل پژوهش



شکل ۲: نمایش مقادیر T-values مدل پژوهش

تحلیل آزمون t

با مقایسه مقدار t محاسبه شده برای هر مسیر می توان به بررسی تأیید و یا عدم تأیید روابط پژوهش پرداخت. بدین سان اگر مقدار آماره t بزرگتر از قدر مطلق $1/96$ گردد، در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه یا اثر مورد نظر قابل تأیید می باشد (Davari and Rezazadeh, 2014).

نتایج به دست آمده از ضریب مسیر و T-Value نشان می دهد که:

۱. سهم بوروکراسی در مدیریت توسعه دارای t بزرگتر از $1/96$ است ($t=3.931$). لذا می توان بیان نمود که فرض دوم محقق در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده است. ضریب مسیر مساوی $0/276$ می باشد و این به معنی این است که هر زمان متغیر بوروکراسی به اندازه یک واحد تغییر کند متغیر توسعه به اندازه $0/276$ واحد تغییر می کند.
۲. سهم اقتصاد در مدیریت توسعه دارای t بزرگتر از $1/96$ است ($t=2.447$). لذا می توان بیان نمود که فرض سوم محقق در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده است. ضریب مسیر مساوی $0/065$ می باشد و این به معنی این است که هر زمان متغیر اقتصاد به اندازه یک واحد تغییر کند متغیر توسعه به اندازه $0/065$ واحد تغییر می کند.
۳. سهم سیاست در مدیریت توسعه دارای t بزرگتر از $1/96$ است ($t=7.948$). لذا می توان بیان نمود که فرض چهارم محقق در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده است. ضریب مسیر

- مساوی ۰/۱۵۹ می باشد و این به معنی این است که هر زمان متغیر سیاست به اندازه یک واحد تغییر کند متغیر توسعه به اندازه ۰/۱۵۹ واحد تغییر می کند.
۴. سهم فرهنگی- اجتماعی در مدیریت توسعه دارای t بزرگتر از ۱/۹۶ است ($t=7.809$). لذا می توان بیان نمود که فرض اول محقق در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید شده است. ضریب مسیر مساوی ۰/۴۸۴ می باشد و این به معنی این است که هر زمان متغیر فرهنگی- اجتماعی به اندازه یک واحد تغییر کند متغیر توسعه به اندازه ۰/۴۸۴ واحد تغییر می کند.
۵. سهم جهانی سازی در مدیریت توسعه دارای t بزرگتر از ۱/۹۶ است ($t=3.077$). لذا می توان بیان نمود که فرض پنجم محقق در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید شده است. ضریب مسیر مساوی ۰/۰۵۹ می باشد و این به معنی این است که هر زمان متغیر سیاست به اندازه یک واحد تغییر کند متغیر توسعه به اندازه ۰/۰۵۹ واحد تغییر می کند.

جدول ۵: نتیجه آزمون ابعاد مدیریت توسعه

T-Value	ضریب مسیر	ابعاد مورد مطالعه در توسعه
۷.۸۰۲	۰.۴۸۴	فرهنگی- اجتماعی
۳.۹۳۱	۰.۲۷۶	بوروکراسی
۳.۸۰۹	۰.۱۷۲	سیاست
۲.۴۴۷	۰.۰۶۵	اقتصاد
۳.۰۷۷	۰.۰۵۹	جهانی شدن

جدول ۵ در نتیجه ابعاد مدیریت توسعه نشان می دهد طبق نظر خبرگان مورد بررسی این پژوهش، بُعد فرهنگی- اجتماعی بیشترین تاثیر را روی مدیریت توسعه و توسعه یافتگی دارد و بعد از آن به ترتیب بعد بوروکراسی، سیاست، اقتصاد و جهانی شدن قرار دارند.

جدول ۶: قابلیت اطمینان ترکیبی

معیار	CR
فرهنگی- اجتماعی	۰/۹۱۲
بوروکراسی	۰/۸۲۲
اقتصاد	۰/۸۷۴
سیاست	۰/۷۹۴
جهانی شدن	۰/۸۵۲

یکی از معیارها برای ارزیابی برازندگی مدل، قابلیت اطمینان ترکیبی (CR) می‌باشد. این معیار برای اطمینان از ثابت بودن بخش‌های مختلف مدل اندازه‌گیری به کار می‌رود. قابلیت اطمینان ترکیبی باید بیشتر از ۰/۷ باشد تا سنجه‌ها قابل اطمینان باشد. همان طور که در جدول نشان داده شده است قابلیت اطمینان همه سنجه‌ها بالاتر از ۰/۷ می‌باشند.

مدل نهایی پژوهش

جدول ۷: مدل نهایی پژوهش

زیر شاخص	ابعاد	ردیف
فاصله قدرت	۱	۱
آموزش جمع‌گرایی و کار تیمی	۲	
مبارزه نظامند با فساد اداری	۳	
آموزش و فرهنگ سازی	۴	
استفاده از ظرفیت فرهنگ بومی	۵	
بهبود وضعیت بهداشت	۶	
ایجاد شرایط برابر و مساوی اشتغال برای همه افراد	۷	
کیفیت قانون (میزان گستردگی کم و تغییرات ناگهانی به ندرت در قوانین و مقررات)	۸	۲
شایسته سالاری	۹	
تمرکززدایی	۱۰	
لغو انحصارات	۱۱	
پاسخگویی مدیران دولتی	۱۲	
اندازه دولت	۱۳	
کیفیت تصمیم‌های دولت مردان (تعداد مراکز تصمیم‌گیری کم و نحوه اتخاذ تصمیم مشارکتی)	۱۴	
اجرای دولت الکترونیک	۱۵	
شکل‌گیری احزاب	۱۶	۳
گسترش فعالیت گروه‌های سیاسی	۱۷	
یکپارچه بودن سیاست‌ها (میزان همراستایی سیاست‌های حاکمان با خواسته شهروندان)	۱۸	

اعتماد شهروندان به دولت	۱۹		
مشروعیت	۲۰		
بومی سازی تکنولوژی وارداتی	۲۱	اقتصاد	۴
آزاد سازی اقتصاد و رقابت	۲۲		
توسعه صادرات	۲۳		
عدم استفاده از منابع زیر زمینی در بودجه جاری کشور	۲۴		
فضای امن کسب و کار	۲۵		
قانون تسهیل گر در بحث کسب و کار	۲۶		
جهانی شدن اقتصاد	۲۷		
نگرش نخبگان سیاسی در مورد نظام بین المللی	۲۸	جهانی شدن	۵
تعامل با کنشگران غالب بین المللی	۲۹		
داشتن روابط بین المللی سازنده جهان	۳۰		
بی طرفی در مناقشات بین المللی	۳۱		
عضویت در سازمان های بین المللی	۳۲		

همانگونه که از جدول ۷ مشخص است، ترتیب هر یک از ابعاد و زیر شاخص‌های مدیریت توسعه با توجه به نظر خبرگان و تحلیل معادلات ساختاری و بررسی بارعاملی هر گویه تعیین شده است.

نتایج و یافته های پژوهش

در این بخش از پژوهش به مواردی همچون پاسخ به سؤال‌های تحقیق و مقایسه عملکرد ایران و سه کشور منتخب در حوزه ی توسعه پرداخته می شود.

- کشورهای منتخب در ابعاد توسعه چگونه عمل کردند که توانستند به توسعه برسند؟
برای پاسخ به این سوال باید یادآور شد کشورهای منتخب در این پژوهش در ابتدای حرکت به سمت توسعه در ایجاد توسعه فرهنگی- اجتماعی و استقرار بوروکراسی کارآمد و مستقل موفق عمل کردند. البته این کشورها به شیوه‌های یکسان عمل نکردند هر سه این کشورها به لحاظ فرهنگی از فرهنگ بومی خود نهایت استفاده را بردند و در کنار فرهنگ بومی به ترویج تیم‌گرایی، کم کردن فاصله قدرت بین حاکمان و مردم و همچنین مبارزه با فساد اداری اقدام نمودند، در مبحث بوروکراسی نیز هر سه این کشور در گام نخست نوعی

بوروکراسی بر پایه شایسته سالاری را بنا نهادند که همین بوروکراسی قوی و کارآمد بعدها به حل چالش‌های بزرگ این کشورها کمک کرد. به عبارتی استقرار بوروکراسی، جذب نخبگان تحول‌گرا و شایسته‌سالاری به اتخاذ سیاست‌های صحیح در اقتصاد و جهانی شدن نیز انجامید.

- مدل مطلوب توسعه چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ پاسخ این سوال در جدول ۷ آمده است.

نتیجه‌گیری

کشورهای زیادی در طول سالیان گذشته سعی در پیشرفت و توسعه داشته‌اند. اما فقط تعداد معدودی از آنها توانستند به این مهم دست یابند، این نشان می‌دهد تلاش‌ها و اقدامات کشورهای در حال توسعه دارای مشکلات و ضعف‌هایی بوده که شاید بتوان به وسیله بررسی عملکرد کشورها نوظهور این نارسایی‌ها را برطرف نمود. استفاده از تجربه سایر کشورها در قابل یک مدل منسجم برای رفع این کم‌کاستی‌ها می‌تواند مثمرتر باشد، برای طراحی مدل مطلوب مدیریت توسعه سه کشور نوظهور بعد از جنگ جهانی دوم که در حوزه توسعه یافتگی موفق عمل کرده بودند شناسایی شدند، این سه کشور عبارتند بودند از کره جنوبی، چین و هند. در این میان اکثر صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه توسعه، توسعه را جریانی چند بعدی می‌دانند که شامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی-اجتماعی و جهانی شدن (تعاملات بین‌المللی سازنده در راستای منافع ملی و نیل به توسعه همه جانبه) و از مهمتر نحوه کارکرد مهمترین ابزار نیل به ابعاد توسعه یعنی بوروکراسی بود. پنج بُعد مدیریت توسعه به صورت جداگانه برای هر سه کشور نوظهور کره جنوبی، چین و هند مورد مطالعه قرار گرفت. روش پژوهش این مطالعه آمیخته است (ترکیب روش پژوهش کیفی و کمی). برای تحلیل نتایج بخش کیفی از رویکرد تاریخی-تطبیقی و در بخش کمی از رویکرد معادلات ساختاری استفاده شد. با توجه به یافته‌ها، ابعاد توسعه به ترتیب ذیل طبقه‌بندی شدند. توسعه فرهنگی-اجتماعی (فاصله قدرت، آموزش جمع‌گرایی و کار تیمی، استفاده از ظرفیت فرهنگ بومی، مبارزه با فساد اداری، بهبود بهداشت، اشتغال و آموزش‌های اجتماعی)، بوروکراسی (کیفیت قانون، شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، لغو انحصارات، پاسخگویی مدیران دولتی، اندازه دولت، کیفیت تصمیم‌های دولت مردان و

اجرای دولت الکترونیک)، توسعه سیاسی (شکل‌گیری احزاب، گسترش فعالیت گروه‌های سیاسی، یکپارچه بودن سیاست‌ها، اعتماد شهروندان به دولت و مشروعیت)، توسعه اقتصادی (بومی‌سازی تکنولوژی وارداتی، آزادسازی اقتصاد و رقابت، توسعه صادرات عدم استفاده از منابع زیر زمینی در بودجه جاری کشور، فضای امن کسب و کار، قانون تسهیل‌گر در بحث کسب و کار و جهانی شدن اقتصاد) و جهانی شدن (نگرش نخبگان سیاسی در مورد نظام بین‌المللی، نحوه تعامل با کنشگران غالب بین‌المللی، داشتن روابط بین‌المللی سازنده جهان، بی‌طرفی در مناقشات بین‌المللی و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی). با توجه به مطالعات انجام شده و خلاءهای موجود که پژوهشگر به هر دلیلی نتوانست وارد این حوزه‌ها شود و به آنها بپردازد و همچنین بخش‌هایی که نیاز به مطالعه بیشتر دارند، سوالاتی برای پژوهشگران آتی مطرح می‌شود. در نهایت پیشنهاد می‌شود محققین آتی در تحقیقات خود مسائل ذیل را مورد توجه قرار دهند: تاثیر شکل‌گیری بوروکراسی روی توسعه کشورهای در حال توسعه چیست؟ آموزش‌های اجتماعی و فرهنگی در جهت ایجاد تفکر توسعه در بین جامعه و هموار کردن مسیر توسعه چگونه باید باشد؟ بررسی اینکه بوروکراسی مطلوب برای کشورهای در حال توسعه باید از کجا و چگونه شکل بگیرد؟ تبعیض و نابرابری اجتماعی چه تأثیری بر روند توسعه در کشورهای در حال توسعه دارد؟ آیا کشورهایی که برابر جامعه جهانی مقاومت کرده‌اند و مستقل از نظام جهانی عمل کردند؛ توانسته‌اند به توسعه برسند؟

References

- 1-Alhagh, M., (1989). People and Development (Translated by Kiavand, G.), Tehran: Journal of Political and Economic Information, No. 29
- 2-Abrahamian, Y., (1999). Articles in Political Sociology of Iran (Translated by Torabi Farsani, S.), Tehran: Shizadeh Publishing, pp 119-126
- 3-Azimi, H., (1999). Iran Today in the Mirror of Development Issues, Tehran: Islamic Publishing Office, pp: 3 (In Persian).
- 4-Andrew C. N., (1994), the Republic of Korea", in: Regional Surveys of the World: The Far East and Australia, 25 Edition, Europa Publication Limited, P. 453.
- 5-Bagheri, M., (1997). South Korea, Tehran: Journal of the Office of Political and International Studies, p.1. (In Persian).
- 6-Bason, M., (2003). The Rise and Fall of Development state. Printed at www.espace.library.edu.au, pp: 162.
- 7-Clarebergeez, M., (1989). People's Republic of China 1958-1949 (Translated by Agahi, A.), Tehran, Astan Quds Razavi Cultural Publications, first edition, pp: 298
- 8- C. Chw, G., (2002). China's Economic Transformation, (USA-UK: Blank Well Publishers, First published) pp. 7-22.
- 9-Davari A, Rezazadeh A. (2014). Structural Equation Modeling with PLS Software, Tehran, Jihad Daneshgahi Publications (In Persian).
- 10-Darbisheer, Y., (1989). Political Developments in the People's Republic of China (Translated by Hedayat Vaziri, A.) Tehran, Islamic Revolution Publishing and Education Organization, pp: 153
- 13-Ganguly, S., (2003). "India's foreign policy Grows Up" World Policy Journal, 20:4, winter, pp.41-47.
- 14-Hanafizadeh P, Zare A. (2012). Multilevel structures analysis method using smart pls software, Tehran, Termeh Publications (In Persian).
- 15-Lerner, D., (1958). The passing of Traditional Society, New York: Free Press, PP.401
- 16-Moore, B., (1996). The Social Roots of Dictatorship and Democracy (Second Edition) (Translated by Bashirieh, H.), Tehran, Tehran University Publishing Center. Pp: 209.
- 17-Madsen, R., (2003). The Prospects for Political reform in China: Religious and Political Expression, Council on East Asian Studies, University of California, San Diego (<http://www.ciaonet.org/wps/mar08/mar08.pdf>). pp: 29
- 18-Myrdal, G., (1974). What is Development, journal of Economic Issues, Vol 8. No.4, Dec 1974, pp: 726-736.

- 19-Nayar, D., (1998). Economic Development and Political Democracy: interaction of Economics and Politics in Independent India. Economic and Political Weekly. Vol. 33. No. 49. pp. 3121-3131.
- 20-Omidvarnia, M., (1991). Developments in China's Military Thought and Arms Policy, Tehran, Ministry of Foreign Affairs Publications, Office of Political and International Studies, pp: 56 (In Persian).
- 21-Report of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly., (2016). Economic Outlook for Developed, Developing and Emerging Economies (In Persian).
- 22-Shirzadi, Reza., (2014). Modernization, Development and Globalization (Concepts, Schools, and Theories), Tehran: Aghah Publishing, pp: 2 (In Persian).
- 23-Seers, D., (1972). The Meaning of Development International Development, Review Vol.19 (22) p.p 2-7.
- 24-Talae, M., (2000). South Korea, Development Structures and Crisis, Tehran: Office of Political and International Studies Publications, pp: 5-23 (In Persian).
- 25-Todaro, M., (1985). Economic Development in the Third World (Translated by Farjadi, G.A.), Tehran, Program and Budget Organization Publications, pp: 134
- 26-Zhao, T., (1998). Contemporary Chinese Law (Translated by Mohammadzadeh Vadghani, A.), Tehran: Dadgostar Publishing, pp:229
- 27-Zhao, S., (2003). Political Liberalization without Democratization: Pan Wei's proposal for political reform", Journal of Contemporary China, Vol. 35, No.12, pp. 333-355.